

تصویر

(پرتره)

ن. و. گوگول

برگردان: رضا آذرخشی

www.ketab.ir

داستان جهان



موسسه‌ی انتشارات و کتاب

سرشناسه: گوگول، نیکلای واسیلیویچ، ۱۸۵۲-۱۸۰۹ م.
 عنوان و نام پدیدآور: تصویر / ن. و. گوگول: مترجم: رضا آذرخشی.
 مشخصات نشر: مشهد: بوتیمار، ۱۳۹۵.
 مشخصات ظاهری: ۱۰۴ ص: ۵/۱۴ × ۵/۲۱ س.م.
 شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۴۰۴-۰۶۴-۸

وضعیت فهرست نویسی: غیبا

یادداشت: عنوان اصلی: The Portrait

موضوع: داستان های کوتاه روسی - قرن ۱۹ م.
 شناسه افزوده: آذرخشی، رضا، مترجم

رده بندی کنگره: ۱۳۹۴: ۶ PG۲۳۷۳/

رده بندی دیویی: ۸۹۱/۷۳۳

شماره کتابشناسی ملی: ۳۹۷۳۲۰۷

نصیب رپرتره

مترجم: رضا آذرخشی

ویراستار: حسن خاص

مدیر امور هنری: رضا آذرخشی

ناظر کیفی: حسین قاضی، علی، مترجم: رضا آذرخشی

صفحه آرا: آتلیه هنری بوتیمار

ناشر: انتشارات بوتیمار

امور چاپ: دقت

نویت چاپ: اول ناشر ۱۳۹۵

تیراژ: ۵۰۰ نسخه

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۴۰۴-۰۶۴-۸

دفتر انتشارات:

مشهد، صندوق پستی ۹۱۳۷۵-۱۵۵۳

تلفن: ۰۵۱۳-۸۴۵۰۶۴۹

تهران، خیابان کارگر شمالی

نرسیده به بلوار کشاورز،

بن بست گیتی، پلاک ۶

تلفن: ۶۶۹۰۰۷۴۸

همراه: ۰۹۱۵۸۵۷۸۳۷۸ - ۰۹۱۶۷۸۳۱۲۶۸

حق چاپ محفوظ است



موسسه انتشارات بوتیمار



btmpub@gmail.com



instagram.com/btmpub

هتدمه و شرح حال نویسنده

نیکلای واسیلییچ گوگل در ۱۹ مارس سال ۱۸۰۹ میلادی به دنیا آمد و در ۲۱ فوریه‌ی سال ۱۸۵۲ میلادی در سن چهل و سه سالگی درگذشت. زادگاه گوگل قریه‌ی سار، پین از رابع ینگورود در اوکراین است. پدر گوگل مردی خوش ذوق و سنجینه‌ی قصه‌ها و داستان‌های محلی و مادرش به تمام مراسم‌های مذهبی و خرافی بسیار ایمان و معتقد بود. پدر گوگل فرزند خویش را از کودکی با عشق به داستان‌سرایی و علاقه به تئاتر تربیت کرد. با وجود اینکه هنگام درگذشت او، کمتر از پانزده سال نداشت، باز هم علاقه به مردمان روستایی و توجه به حکایت‌ها و نصه‌های آنها، و عشق به نمایش را از پدر کسب کرد و بعدها همان حکایت‌ها روایت‌ها، افسانه‌ها، دیده‌ها و شنیده‌های شخصی خود را که مربوط به زندگی مردم اوکراین بودند، با کمال مهارت در آثارش به کار برد. اثری هم از تربیت مادری در گوگل باقی ماند که بر وجود او استیلا داشت و پدیدآورنده‌ی دشواری‌ها و مرارت‌هایی برایش شد. مادر گوگل او را از فرط

محبت خودخواه بار آورده، و به تمام تشریفات جزئی و کلی مذهبی معتقد و علاقه‌مند کرده بود، و از خشم و غضب خداوند و دوزخ و عذاب‌های آن سخت ترسانیده بود.

گوگول از اوان کودکی با مردم عادی و ساده ارتباط یافت، و با داستان فداکاری‌ها، رزم‌ها و نبردهای دلیرانه‌ی مردم اوکراین آشنا شد. مردم آن سرزمین که مذهب ارتودوکس داشتند، سده‌های متمادی با اسلحه‌ی میهن‌پرستی و مذهب، خون را از مهاجم ترک‌های عثمانی و تاتارهای مسلمان شبه‌جزیره‌ی کریمه که پیوسته از جنوب و جنوب غربی به قصد تصرف آن سرزمین حمله می‌کردند، حفظ کرده بودند. نه تجاوزهای بی‌رحمانه‌ی لهستانی‌های کاتولیک مذهب را از مغرب و شمال غربی که با خون‌ریزی و سفاکی، قتل و غارت، اسارت زن‌ها و کودکان، شکنجه‌ی بی‌میب و اعدام‌های دسته‌جمعی هولناک همراه بود، دفع کرده بودند. آگاهی از آن داستان‌های غرور و افتخار و جانبازی‌های دلیرانه، حس میهن‌پرستی شدیدی در گوگول ایجاد کرد و بر اثر همان عشق مفرط به وطن و علاقه به هم‌میهنان، در نوشته‌های خود بسیاری از آن حکایت‌ها در مدح شهامت، جانبازی، میهن‌پرستی، فداکاری و رفاقت، مبادرت کرد که جزء آداب و رسوم تغییرناپذیر و مقدس مردم دلیر اوکراین شده بودند. گوگول علاقه‌ی زیادی به تحصیل دانش‌های ناقص آن زمان نداشت و به نسبت دبیرستان شهر نژین را به پایان رسانید. تنها به نقاشی و ادبیات روسی بسیار علاقه داشت و در این دو رشته پیشرفت‌های نمایان و شایانی کرد و به حسن قریحه، ذوق سرشار، ذهن و حافظه‌ی بسیار قوی شهرت یافت. پس از فارغ‌التحصیلی در دبیرستان در بند ورود به اداره‌های دولتی برآمد و به‌هیچ‌وجه در اندیشه‌ی نویسندگی نبود.

گوگول برای دست‌یابی به مقصود، در ماه دسامبر سال ۱۸۲۸ به پترزبورگ رفت و در آنجا به تنگدستی دچار شد. نخستین اثر خود موسوم به «گانس - کوخل گارتن» را که در دبیرستان شهر نژین نوشته بود چاپ و منتشر کرد، ولی از

سوی جامعه استقبال نشد و نویسنده آن را از بین برد. پس از آن گوگول مسافرتی کوتاه به شهر لوبک کرد و در بازگشت، با تجربه‌ای که از اولین اثر خود به دست آورده بود، سبک نویسندگی‌اش را تغییر داد و در سال ۱۸۲۹ به نوشتن مطالبی در مورد اوضاع اوکراین پرداخت.

اولین تألیف او به نام «شب عید یوحنا تعمیددهنده» در مجله‌ی «یادداشت‌های وطنی» چاپ شد و پس از آن داستان‌های «بازار مکاره‌ی ساراچین» و «یک شب ماه مه» را منتشر کرد. به تدریج گوگول از خدمت دولتی صرف‌نظر کرد و گام در شایسته‌ی نویسندگی گذاشت و دریافت که در جرگه‌ی نویسندگان و ادبا، بسیار بهتر می‌تواند به جامعه خدمت کند.

شاهکار گوگول کتابی است به نام «نفوس مرده» که نتیجه‌ی تلاش‌های متمادی او در عمر از ستایشی، تأسفانه قسمت دوم آن کتاب را خود او، هنگامی که تأثرات روحی‌اش به حد اشد رسیده بودند، از ترس غضب خدا و عذاب‌های دوزخ آتش زده است.

گوگول در زمره‌ی بزرگ‌ترین و والاترین نویسندگان بوده و پدیدآورنده‌ی سبک رئالیسم و ناتورالیسم در ادبیات روسی است که پس از او پیروان بسیاری داشته، و هنوز هم تأثیر سبک او در ادبیات روس مشهود است.

معاشرت گوگول با ادیبان بزرگ روسیه شدت و شوکت، در ایجاد شالوده‌ی فکری آثار ادبی او بسیار سودمند و مؤثر واقع شد و امکان پیدایش تألیفات بی‌نظیری را پدید آورد.

بهترین تألیف‌های گوگول عبارتند از «شب‌هایی در مزرعه‌ی زیاده‌کار، یک‌کانکا»، «انتقام مدهش»، رومان «گتمان» (سرکرده‌ی قزاقان) که ناتمام مانده است.

در سال‌های ۱۸۳۴-۱۸۳۳ گوگول به تألیف «تاریخ قزاق‌های مالاروسی» (اوکراین) مشغول بود و در سلسله‌مقالاتی با عنوان «نظری به طرز تشکیل مالاروسی» و «راجع به اشعار مالاروسی» دیدگاه خود را در مورد نگارش تاریخ مذکور به قصد معرفی مردم اوکراین شرح داد.

تألیف دیگر گوگول موسوم به «تاراس بولبا» به همین منظور نگاشته شده است. به عقیده ی بلینسکی منتقد نامدار، قسمت هایی از آن کتاب با قدرت عجیبی، نظیر قدرت شکسپیر، بلکه هم قوی تر نوشته شده اند.

«شب قبل از میلاد مسیح»، «عروسی»، «تصویر»، «بالارس»، «خیابان ساحلی رودنه‌وا»، «شنل»، «یادداشت های روزانه ی یک دیوانه» و بسیاری از داستان‌ها و نمایشنامه های گران بهای گوگول در ادبیات روسی جزء آثار جاویدان آن نه سنده ی بی همتا شمرده می شوند.

گوگول از سال ۱۸۳۶ تا ۱۸۳۹ به خارج از کشور مسافرت کرد، و در پایتخت های بزرگ کشورهای بیگانه مانند برلین، پاریس، روم و کشور سوئیس به سر برد. در هر حال بود که از خبر کشته شدن پوشکین آگاهی یافت. در سال ۱۸۳۹ سانت کوناخ را در روسیه گذراند و مجدداً مسافرت هایش را به کشورهای دیگر از سر گرفت. در سال ۱۸۴۱ برای چاپ جلد اول کتاب «نفوس مرده» به میهن خود بازگشت. در سال ۱۸۴۲ پس از انجام این منظور که در راه نیل به آن با مشکلات فراوانی روبه رو شد، دوباره از روسیه مهاجرت کرد. گوگول چند بار به بیماری های سخت مبتلا شد و هرچه مزاج او علیل تر می شد، علاقه ی او به مذهب و اعتقادش به خداوند قوی تر می گرفت.

به همین سبب تصمیم گرفت به زیارت شهر قدس (بیت المقدس) برود شاید تعادل روحی از دست رفته اش را در دعا و استغاثه درگاه خدا و مقدسات مذهبی به دست آورد و آسایش و آرامش حالی حاصل کند، ولی از آن مسافرت هم نتیجه ای نگرفت و با روحی آشفته و جسمی فرسوده و روسیه بازگشت. پس از مراجعت از آن مسافرت، گوگول یک بار دیگر در نتیجه ی تأثرات شدید روحی، مقداری از نوشته های خود را در آتش ریخت، سوزاند و بعد سخت پشیمان شد و چنان اندوه بر او مستولی شد که زندگانی اش دیری نپایید و در ۲۱ فوریه ی سال ۱۸۴۲ درگذشت.

داستان «تصویر» (پرتره) در زمره ی آن دسته از آثار گوگول است که با وجود

اینکه اعتقاد او را به خرافاتی که در کودکی به او تلقین کرده‌اند، به بهترین نحو نشان می‌دهد، به منزله‌ی عالی‌ترین پند برای هنرمندان است که باید در پاکی عواطف و احساسات خود به منظور تکامل خویش و هنر عالی بشردوستانه‌ی خود بکوشند.

www.ketab.ir